

می‌خواهی بجنگی؟ چند راه تا [تپه‌های] الله‌اکبر داریم؟ جاده‌های عقبه چه وضعیتی دارد؟ شب که در رمل حرکت می‌کنی، صدای پایتان تا چند متری شنیده می‌شود؟ صدای تانک و نفربر یا ماشین روشن چطور؟ چند راه کار داریم؟ اگر در رمل گم شدیم چه باید بکنیم؟ اگر نیروهای شناسایی اسیر شدند چه می‌گویند؟ از فرمانده تیپ ۲۶ زرهی، سرهنگ طارق فیزی الهزاع، چه می‌دانی؟»

راز الله‌اکبر ×

شناخت دقیق از دشمن سبب می‌شد گاه در موارد بسیار سخت تدبیری به نظر ساده گرهی بزرگ را بگشاید. پیر رازو، نویسنده و تحلیلگر فرانسوی، در کتاب جنگ ایران و عراق ماجرای جالبی را از عملیات بیت‌المقدس نقل می‌کند. بسیاری از منابع کتاب رازو منابع عراقی و نوارهای پیاده‌شده‌ی جلسات صدام هستند. رازو اشاره می‌کند که در مراحل اولیه‌ی عملیات بیت‌المقدس ایرانی‌ها از ده‌ها بلندگو صدای «الله‌اکبر» پخش می‌کنند تا نیروها را تشویق کنند و عراقی‌ها به خیال این که لشکرهای زیادی به آن‌ها حمله کرده‌اند فرار می‌کنند. احتمالاً عراقی‌ها گمان کرده بودند که صدای الله‌اکبر از بلندگو پخش شده است اما حسن باقری روایت دقیق‌تر این ماجرا را بیان کرده است. حسن باقری می‌گوید: «شب دوم عملیات عراقی‌ها با تیپ مستقل ۱۰ زرهی، از قوی‌ترین تیپ‌هایشان که خیلی به آن دل‌گرم بودند، دیوانه‌وار به طرف جاده حمله کردند. چند دستگاه از این تانک‌های عراقی موفق شدند تا روی جاده‌ی آسفالت هم پیش بیایند و خودشان را به خاکریز نیروهای ما برسانند. ظاهراً دیگر کار از کار گذشته بود. رزمندگان هم واقعا در آن‌جا به این نکته پی بردند، همان‌طور که هدفشان

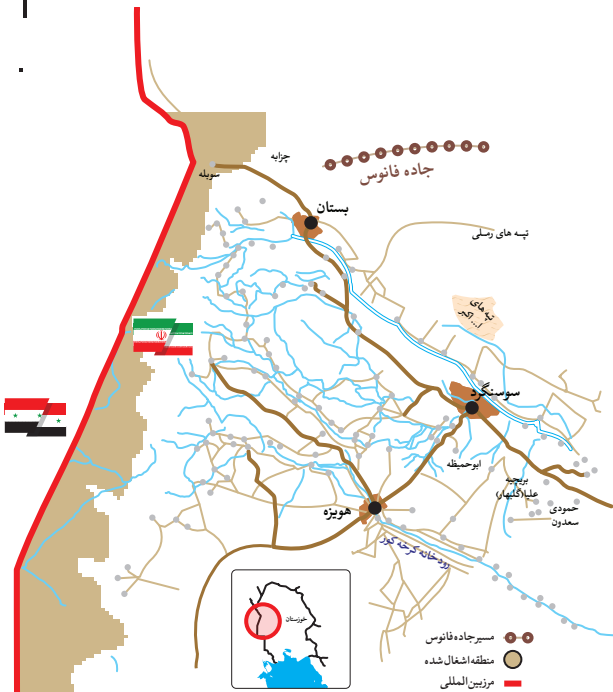
الله است باید از او یاری بگیرند. به ذهن فرماندهان خط‌خطور کرد لازم است در سرتاسر خط رزمنده‌ها تکبیر بگویند که در جبهه خیلی مؤثر بود. بعد از این که اعلام شد برادران تکبیر بگویند در سرتاسر خط، بچه‌ها شروع کردند به تکبیر گفتن و حمله کردن. عراقی‌ها وحشت کردند. خدمه و راننده‌های تانک‌های این تیپ عراقی که روی جاده آمده بودند تانک‌ها را گذاشتند و فرار کردند. آن‌هایی که عقب‌تر بودند هم با تانک‌هایشان فرار کردند و آن حمله‌ی دشمن هم با یاری خدا و سلاح الله‌اکبر دفع شد.»

همدلی ×

فرماندهان بسیاری در این دوره پیروزی نقش داشتند. افرادی همچون موسوی قویدل، معین‌وزیری، بختیاری، نیایک، تراب ذاکری، لطفی و ده‌ها فرمانده دیگر از ارتش و فرماندهانی مانند رحیم صفوی، احمد کاظمی، حسین خرازی، مرتضی قربانی و ده‌ها فرمانده سپاهی دیگر. در روایت اغلب فرماندهان، دوره‌ی پیروزی‌ها دوره‌ی

همراهی و همدلی این فرماندهان بود؛ فرماندهانی که گاه اختلاف سن‌شان به بیش از دو دهه می‌رسید. در حالی که موسوی قویدل و مفید در آغاز جنگ، در میانه‌ی پنجمین دهه‌ی زندگی‌شان بودند، فرماندهان ارشد سپاه هنوز در میانه‌های سوم دهه‌ی زندگی‌شان بودند. موسوی قویدل معتقد است: «یکی از اصول

جنگ یعنی وحدت فرماندهی با دو فرمانده مشترک یعنی برادر رضایی و شهید صیاد شیرازی شکل گرفت، ضمن این که امام مردی بسیار بزرگ بودند. ایشان دست این دو جوان را در دست همدیگر گذاشتند و وحدت را دنبال می‌کردند و همین مسئله باعث شد وحدت بین ارتش و سپاه رقم بخورد.»



① محدوده‌ی عملیات طریق‌القدس. ابتکار ویژه این عملیات عبور از زمین‌های رملی بود. جهاد سازندگی جاده‌ای ابتکاری در میان رمل‌ها احداث کرد که به جاده‌ی فانونس یا پیروزی معروف شد. پیش از آغاز عملیات، نیروهای شناسایی برای راهنمایی نیروهای ایرانی در برخی نقاط جاده که دشمن به آن دید نداشت فانونس‌هایی کار گذاشته بودند. در عملیات بیت‌المقدس نیز نیروهای جهاد سازندگی حضوری مؤثر داشتند با ۲۸ شهید از ۱۳ نفرشان از فرماندهان جهاد بودند؛ افرادی همچون سبزه‌لی اینانلو، احمد حجتی، احمد دادخواه، حسین شرکت و ...

چهره ×

حسن باقری

از فرماندهان ارشد سپاه در عملیات بیت‌المقدس

متولد: تهران، ۱۳۲۴

سن در آغاز جنگ: ۲۵ سال

در هنگام تولد وزن بسیار کمی داشت؛ یک کیلو و هشتصد گرم. امید به زنده ماندن کم بود. مادرش زنده ماندنش را به نذر او برای امام حسین مرتبط می‌داند. این کودک نارس در کودکی بارها بیماری‌های سختی را پشت سر گذاشت اما زنده ماند تا روزهای جنگ. ۲۸ ماه در جنگ حضور داشت و در آخرین روزهای زمستان ۶۱ شهید شد. جنگ پس از شهادت او بیش از پنج سال طول کشید اما هنوز بسیاری از فرماندهان او را مغز متفکر سپاه در جنگ می‌دانند و از موثرترین فرماندهان در شکل‌گیری عملیات‌های پیروز ایران.

